




شده بود، اما این حادثه همچنان تصورات منفی از خصومت آمریکا را تقویت کرد و تنش‌ها را افزایش داد. گرچه کنگره ایالات متحده تعداد زیادی لایحه مربوط به حقوق بشر در چین تصویب کرد که در نهایت توسط ترامپ امضا شدند، اما ترامپ خود علاقه‌ای به این مسائل نداشت و حتی به وضوح آنها را نادیده می‌گرفت. برای مثال، در اوج توجهات جهانی به وضعیت هنگ کنگ در تابستان ۲۰۱۹، زمانی که صدای دوجانبه‌ای از داخل آمریکا خواستار محکومیت چین به دلیل نقض حقوق بشر بود، ترامپ علناً اظهار کرد که از وضعیت هنگ کنگ اطلاعی ندارد. او بی‌تفاوتی آشکاری به آنچه که جنبش «دموکراسی خواهی» در هنگ کنگ نامیده می‌شد، نشان داد و حتی دموکرات‌ها را متهم کرد که انقلاب‌های جهانی را تحریک کرده و باعث انتشار هرج و مرج می‌شوند. بی‌شک سیاست خارجی ایالات متحده بشدت تحت تأثیر مبارزات سیاسی داخلی قرار دارد. در دوره اول ترامپ، او مجبور بود در یک چشم‌انداز سیاسی پیچیده، تعادل قدرت را میان چهره‌های سنتی جمهوری خواه مانند میچ مک‌کانل، میت رومنی و خانواده بوش از یک سو و چالش‌ها از سوی دیگر میان محافظه‌کاران جوان تر نظیر مارکو روبیو، ران دیسانتیس و تد کروز، حفظ کند. نتیجه این شد که او رویکردی کاملاً جنگ طلبانه در قبال چین اتخاذ کرد. اما در دوره دوم او، چنین محدودیت‌هایی به طور عمده از بین رفته‌اند. اکنون تمرکز اصلی ترامپ تقریباً به طور کامل بر مسائل داخلی است. در حال حاضر، شدیدترین اتهامی که دولت او علیه چین مطرح می‌کند مربوط به کنترل فنتانیل است، موردی که به بحران اپیویدهای آمریکا ارتباط پیدا می‌کند. 

اگرچه این اقدامات همه به طور شخصی از سوی ترامپ هدایت نشده بودند، اما در نظر عموم مردم چین، این اقدامات در راستای یک روند پیوسته و رو به افزایش خصومت قرار می‌گرفت. ترامپ روابط آمریکا و چین را به روشی پیش برد که برای سیاست‌گذاران چینی عملاً قابل درک نبود. به طور سنتی، چین روابط خود را با ایالات متحده از طریق لابی‌گری با اتاق‌های بازرگانی آمریکایی، شرکت‌های فناوری و وال استریت هدایت می‌کرد که در نتیجه بر کنگره تأثیر می‌گذاشت. اما ترامپ به این گروه‌های ذی‌نفع بی‌توجه بود و آنها را عاملان خالی شدن اقتصادی آمریکا می‌دید. علاوه بر این، او «مخالفت با چین» را به شکلی از درست‌گویی سیاسی در ایالات متحده تبدیل کرد که باعث شد تلاش‌های لابی‌گری سنتی بی‌اثر شوند. بسیاری از مقامات که در دوره ترامپ سیاست چین را شکل می‌دادند، افرادی بودند که از دوران جنگ سرد تأثیر پذیرفته و چین را به عنوان رژیم مشابه اتحاد جماهیر شوروی می‌دیدند. آنها تحولات بنیادین چین از زمان پیوستن به WTO و تبدیل شدن به قطب تولید جهانی را نادیده می‌گرفتند. این تفاوت در دیدگاه‌ها شکافی جدی ایجاد کرد و هزینه‌های ارتباط دیپلماتیک را افزایش داد. در دسامبر ۲۰۱۸، مقامات کانادایی مدیر مالی شرکت هواوی، منگ وانزو را در خلال توقف در ونکوور به درخواست دولت ایالات متحده بازداشت کردند. این حادثه خشم بی‌سابقه‌ای در چین برانگیخت و نفرت عمیقی علیه ایالات متحده ایجاد کرد. اگرچه گزارش‌های بعدی نشان داد که ترامپ از این بازداشت مطلع نبوده است، چون توسط مشاور امنیت ملی اش جان بولتون ترتیب داده

